■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۶۳۳ ■ شنبه ■ ۱ خرداد ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاري جمهوري اسلامي
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه جام جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۹۲-۵
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۱ | اذان مغرب ۲۰/۲۸ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۱ | اذان صبح فردا ۴/۱۳ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۴

سخن روز

امام علی(ع): ناتوان‌ترین مردم کسی است که توان به دست آوردن دوستان را ندارد، و ناتوان‌تر از او کسی است که دوستی به دست آرد و او را از دست بدهد.
وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۸

تاریخ قضاوت خواهد کرد که چه کسانی در این دوران سخت چراغ تئاتر را روشن نگه داشتند

رضا بهرامی: فکر می‌کنم تعطیلات پیاپی تئاتر در یک سال و چند ماه گذشته، نوعی تشنگی و احساس نیاز در تماشاگر ایجاد کرده است. ما بیش از اینکه دغدغه کرونا را داشته باشیم، نگران فقر اقتصادی هستیم. تورم وحشتناک فعلی سبب شده مردم با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم کنند و فقط به دنبال سیر کردن شکم خود هستند و اینکه سقفی بالای سر داشته باشند. در این وضعیت مردم نه دل خوشی برای تئاتر دیدن دارند و نه شرایط اقتصادی به بسیاری از آنان این اجازه را می‌دهد که بلیت تئاتر تهیه کنند. ما داریم کار جهادی می‌کنیم، زیرا بررسی تمام جوانب نشان می‌دهد ۹۹ درصد باخت با ماست و ما با یک درصد امید داریم کار می‌کنیم و کوشیده‌ایم تئاتر را زنده نگه داریم. گروه ما در دوران کرونا سه نمایش اجرا کرد در حالی که بیشتر گروه‌های شناخته شده که همیشه پول‌های آنچنانی می‌گیرند، در این مدت فقط بیانیه دادند ولی تاریخ قضاوت خواهد کرد که چه کسانی در این دوران سخت چراغ تئاتر را روشن نگه داشتند.

بخشی از صحبت‌های کارگردان نمایش «سگک» در گفت‌وگو با ایسنا

از آنجا که عادت همه چیز را ضعیف می‌کند، آنچه از همه بهتر ما را به یاد کسی می‌اندازد، درست آن چیزهایی است که بی اهمیت دانسته و فراموش کرده‌ایم و در نتیجه همه نیرویشان را برایشان باقی گذاشته‌ایم.

گریخته
مارسل پروست
مهدی سحابی

نـــگاره
پریسا نوراللهی

مرگ و زندگی

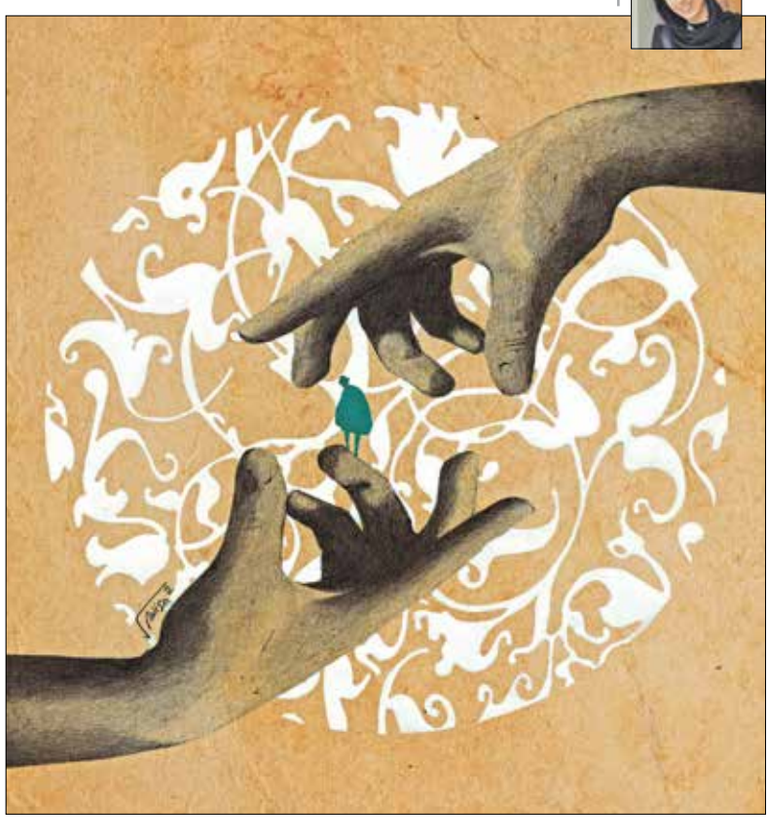

برای پساکرونا از حالا برنامه‌ریزی کنیم

یادداشت

ملیحه پیشداد محمدی
بنیانگذار و عضو شورای مدیریت خانه کتابدار کودک و نوجوان

مدت‌هاست گفته مشترک اغلب مان پیرامون بیماری کرونا و از سویی نقشی است که خواه‌ناخواه در زندگی‌مان ایفا کرده؛ از محدودیت‌های برآمده از آن گرفته تا تغییری که در سبک زندگی و کارمان سبب شده است. دراین‌بین فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام حضوری پررنگ و حتی کلیدی‌تر در زندگی‌مان یافته‌اند. این مسأله در عرصه فرهنگ و حوزه کتاب هم نظیر دیگر عرصه ها خودنمایی می‌کند. خود ما، در خانه کتابدار کودک و نوجوان از امکان برپایی بسیاری از برنامه‌های حضوری محروم شده‌ایم؛ هرچند که تا حد امکان تلاش در برقرار ماندن آنها با بهره‌گیری از فضای مجازی داشته ایم. پیش‌تر جلسات متعددی با حضور کودکان و نوجوان علاقه‌مند کتابخوانی برگزار می‌شد که افزون بر فعالیت‌های پیرامون کتاب برای آنان فرصت یادگیری فعالیت‌های گروهی را فراهم می‌کرد. حتی برای مادران به‌عنوان نماینده خانواده‌ها جلساتی برگزار می‌شد و امکانی برای امانت گرفتن کتاب و تبادل آن در نظر گرفته بودیم. حالا برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی شرایط برپایی حضوری این برنامه‌ها ممکن نیست، با این حال تا حدی که بشود بخشی از کارها به فضای مجازی منتقل شده‌اند. از جمله اینکه کارگاهی برای نوجوان و با همکاری گروه قصه‌گویی دیجیتال شهرزاد برگزار کردیم و در نتیجه‌اش پادکست‌هایی با نام «قصه‌های کرونا» با موضوعات مختلف تولید شد. البته تا حد ممکن حلقه‌های کتاب‌خوانی‌مان را حفظ کرده‌ایم، حتی کتابخانه‌ای دایر کرده‌ایم که اعضا بدون نیاز به طی روند پیش از کرونا، کتاب‌های موردنظر خود را بردارند، بخوانند و دوباره بازگردانند. حتی جلسات مدیریت و از سویی تعامل با نهادهایی مانند شورای کتاب کودک هم این روزها اغلب از طریق فضای مجازی برگزار می‌شوند. این تغییر محسوسی است که نه‌تنها در عرصه فرهنگ و کتاب، بلکه در همه وجوه زندگی‌مان خودنمایی می‌کند، البته اتفاق ناگزیری نیز هست و چاره دیگری هم نداریم. این تغییرات آن‌قدر بزرگ هستند که بعید می‌دانم حتی با کنترل کامل بیماری کرونا دیگر هیچ وقت به زندگی قبل‌مان بازگردیم. باید از همین حالا برای دوران بعد از کرونا برنامه‌ریزی کنیم؛ به هر حال در برخی حوزه‌ها همچون آموزش و پرورش و حوزه‌هایی از فرهنگ که در تماس با مخاطبان کم سن و سال هستند قطع تعاملات رودررو آسیب بزرگی به دنبال داشته است. باید از همین حالا و تا فرصت هست برای آسیبی که متوجه کودکان و نوجوانان شده چاره‌ای اندیشید چراکه به‌رغم نقش مثبت فضای مجازی اما هیچ‌کدام از تکنولوژی‌های ارتباطی قادر نیستند جای خالی ارتباط رودر رو را پر کنند. البته بحث بزرگسالان فرق دارد چراکه ما فرایند جامعه‌پذیری و... را طبیعی‌تر طی کرده‌ایم.

در شرایط کرونا آثار بیشتری خلق کردم

یادداشت

هادی ضیاء‌الدینی
نقاش و مجسمه‌ساز

طبیعتاً کرونا در حیات آدمی تأثیرگذار است و برنامه‌ریزی‌ها و زندگی افراد را مخدوش کرده است، اما به اساس حیطه کاری من هیچ لطمه‌ای نخورده است؛ کار جزو وجودم شده است و نمی‌توانم کار نکنم. من منتظر سفارش کار نمی‌مانم، اگر سفارش بدهند کارم را انجام می‌دهم و اگر هم سفارشی نباشد باز هم آثارم را خلق می‌کنم. بنیاد و اساس کارهایم مربوط به مشغله ذهنی من است؛ برای همین کرونا به کار من نتوانست لطمه‌ای بزند، گرچه برگزاری نمایشگاه به دلیل ازدحام مردم در شرایط کرونا امکان‌پذیر نبود. با این حال من آثارم را تک‌تک به صورت مجازی در صفحات اینستاگرام و واتساپ به نمایش گذاشتم، البته نه به صورت نمایشگاه مجازی بلکه هر بار یک اثر را در فضای مجازی منتشر کردم؛ آن اثر را در صفحه شخصی‌ام منتشر کردم و گاهی هم برای دوستان و آشنایانم می فرستادم؛ باید بگویم با اینکه نمایشگاه نداشتم اما سرعت انتشار همین آثار آنقدر زیاد است که انسان احساس نمی‌کند که مهجور افتاده و کارهایش دیده نمی‌شود. می‌خواهم بگویم در این شرایط هم کارها به خوبی پیش می‌رود و این خصوصیت و خصیصه انسان است که با هر شرایطی خود را تطبیق می‌دهد.

هیچ‌گاه دوست ندارم که در فضای مجازی نمایشگاه داشته باشم، اما با انتشار آثارم به صورت تک تک مشکلی ندارم؛ برای همین آثارم را تک تک منتشر می‌کنم. همچنین رغبتی به شرکت در حراجی‌ها ندارم و به فروش و کلمه حراج حساسیت دارم و احساس بدی در مورد آن دارم. برای همین در هیچ نمایشگاه مجازی در دوران کرونا شرکت نکردم. و تنها در یکی یا دو نمایشگاه که فروش آثار آن هم به نفع نیازمندان بود به دلیل میل قلبی شرکت کردم. این وظیفه انسانی من است که آثارم را در این راه بفروشم.

بی‌شک در دوران کرونا بیش از گذشته فعالیت کردم، گرچه این شرایط برای بعضی‌ها حزن‌آور و ناامیدانه است و تأثیر بدی بر روحیه آنها گذاشته است ،اما برای من این‌گونه نبوده است. کارگاه من در مکان و محلی است که وابسته به میراث فرهنگی است و به این دلیل همیشه گردشگران و بازدیدکننده بسیاری به این مکان می‌آمدند. اکنون به خاطر کرونا تمام این بازدیدها کنسل شده است؛ از یک جهت ارتباط با آدم‌ها خوب است و از جهتی هم قطع شدن این ارتباط باعث شده بازدهی کارم بیشتر شود و با فراغ بال، بیشتر کار کنم.

نهانخانه تاریک

پیشنهاد

احمد آرام
نویسنده و مدرس داستان‌نویسی

«مایکل سیمونز» در کتاب «تاریخچه آشپزها و آشپزی» می‌نویسد: «اگر «آنچه می‌خوریم ما را شکل می‌دهد»، بنابراین آشپزها فقط غذایمان را درست نمی‌کنند، بلکه ما را هم می‌سازند. آنها شبکه‌های اجتماعی ما، تکنولوژی‌ها و عقایدمان را شکل می‌دهند. آشپزها لایق این هستند که داستان‌هایشان به‌کرات و بسی گفته شود.»

«ویتولد شابوفسکی»، روزنامه‌نگار لهستانی، به این صرافت افتاد که ذائقه دیکتاتورها را با عملکرد سیاسی و توجه به‌سلامت جسمانی در یک‌روند عجیب‌وغریب، از طریق سرآشپز آنان شناسایی کند. پنج دیکتاتور خطرناک را مدنظر می‌گیرد تا از این راه به درون ذهن بیمارشان راه پیدا کند: «صدام حسین»، «عیدی امین»، «انورخوجه»، «فیدل کاسترو» و «پُل پوت». شابوفسکی می‌خواهد از طریق ذائقه این آدم ها پی به رفتار سیاسی و خانوادگی آنها ببرد؛ درواقع کشف یک نهانخانه تاریک دور از دسترس. سرآشپزها، مانند وزرای قابل‌اعتماد و گاه بسیار امین، دوشادوش دیکتاتورها و قدم‌به‌قدم، در تمام سفرها رئیس‌جمهوری را دنبال می‌کردند. آشپزها در شرایط جغرافیایی متغیر، یا حتی وضعیت روحی و روانی هولناک آنها، می‌دانستند حس رئیس‌جمهوری با چه غذاهایی سازگار خواهد بود. درواقع به سه چیز فکر می‌کردند یکی اینکه شرایط خوش رئیس‌جمهوری را با طعم غذاهایی که دوست داشت، به درجه اعلا برسانند، یا اگر از تب خشم و کینه کنترل روانی خود را از دست داده‌اند چه گونه دسرهای آرام‌بخش همراه با غذاهای روح‌نواز تهیه می‌کردند تا رئیس‌جمهوری بتواند از طریق غذای موردپسندش، به شکل غریزی، کنترل اعصاب و روان خود را در راستای موقعیت سیاسی و تصمیم‌گیری‌های مهم، به دست گیرد. سوم درمی‌یافتند که دنیای هولناک آنها از کجا نشأت می‌گیرد.

صدام حسین در ذائقه و میل به غذا، همان رفتاری را از خود نشان می‌داد که در امور سیاسی پایبند آن بود. او بشدت روی غذاهایی که مربوط به جغرافیای وطنش بود از خود تعصب نشان می‌داد و می‌توان گفت ذائقه‌اش با رفتار ناسیونالیستی افراطی‌اش هماهنگ بود. وقتی نویسنده کتاب از «ابوعلی» آشپز مخصوص صدام می‌پرسد او چه گونه آدمی بود، فوری جواب می‌دهد: «حرام زاده‌ترین آدم بود.» صدام گاهی خودش غذای مورد طبع اش را درست می‌کرد و دیگران را مجبور می‌کرد آن غذای بسیار شور یا تند را بخورند. و دیگران از ترس می‌خوردند و دم نمی‌زدند و صدام قهقهه سر می‌داد. ابوعلی می‌گفت اگر غذایی را بد درست می‌کرد او ۵۰ دینار جریمه‌اش می‌کرد. اما گاه که خودش غذا را بد درست می‌کرد ۵۰ دینار به ابوعلی می‌داد. سراسر کتاب سرشار از خصلت‌های شیطانی افرادی است که به غذا مانند سیاست روزمره‌شان فکر می‌کردند.

- **مصایب آشپزی برای دیکتاتورها**
- **نویسنده: ویتولد شابوفسکی**
- **ترجمه: زینب کاظم خواه**
- **انتشارات کتاب پارسه**

تئاتر برای کودک یا یک اصل فرهنگی

پنجره‌ای رو به دیوار

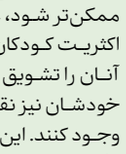

رضا آشفته
منتقد

جمعیت ایران جوان است که این خود گزاره‌ای روشن برای بودن کودکان و نوجوانان بیشتر در خانواده‌های ایرانی است و همین نکته کافی است که به لحاظ فرهنگی این قشر جوان و آینده دار را دریابیم و به دنبال این مهم برآییم که برای آنان در سال چقدر تئاتر، فیلم یا کتاب که به صورت همگانی عرضه می‌شود، تولید می‌کنیم؟!

تئاتر هنر مردمی و همگانی است و در روزگار ما مربوط به همه گروه‌های سنی و اقشار اجتماعی است. بنابراین از سنی که بچه‌ها متوجه جهان بیرون از خود می‌شوند؛ می‌توانند از تئاتر هم به عنوان یک جاذبه بیرونی و سرگرم‌کننده بهره‌مند شوند و حتی آموزش‌های لازم و ضروری را نیز درک و دریافت کنند. همین روال سرگرمی و آموزشی بودنش تأکیدات بهره‌مندی و سود جستن از تئاتر برای کودکان را در هر جامعه پیشرفته‌ای ضروری‌تر می‌کند.

حالا این اتفاق مهم نه تنها در تهران و کلانشهرها بلکه در تمامی شهرستان‌ها و روستاها نیز هر چه ممکن‌تر شود، عالی‌تر خواهد بود. تئاتر هنری است که اکثریت کودکان را جذب خود می‌کند و حتی می‌تواند آنان را تشویق کند که افزون بر دیدن تئاتر بتوانند خودشان نیز نقش بازی کنند و در حضور دیگران ابراز وجود کنند. این نکته روانشناسانه‌ای است که به لحاظ رفتار شناسی در اجتماعی شدن و بالا بردن اعتماد به نفس کودکان بسیار مؤثر است. همین که هر هفته و شاید هر ماه عده‌ای به انگیزه تماشای تئاتر مسافتی را از خانه تا تالار نمایشی طی کنند، خود یک فرصت مناسب برای آشنایی با جامعه و دیگران است. ارتباط گرفتن با بچه‌های همسن و سال و بعد انرژی‌های همسو و هماهنگ در زمان تماشای تئاتر و سرآخر هم عکس یادگاری و خداحافظی کردن از دوستان بر همین گستره معنایی و آموزشی و بروز شرایط بهتر فرهنگی خواهد افزود. حالا در نبودن تئاتر فقط و فقط یک فرصت برتر و مؤثر از کودکان مان دریغ شده و این خود باعث بروز اختلالات اجتماعی خواهد شد.

تئاتر انسان را زنده و روشن می‌کند؛ انسانی که درصدد بروز خویشتن است که در مقابل موانع و تضادها تلاش دو چندانی می‌کند که بر آنها چیره شود و در نهایت پیروزی شامل حالش شود و همچنین بر ترس‌ها و واهمه‌های بی‌شمار غالب شود و اینها از موارد روان شناسانه‌ای است که ضمیر ناخودآگاه را آماده می‌کند که با مشکلات جدی‌تر زندگی در زمان گذر از دوره کودکی و نوجوانی دست و پنجه نرم کند. زندگی همیشه نیز در شرایط نرمال و توانا به سر نمی‌برد و هر انسانی باید آمادگی مواجهه در برابر این نشیب‌ها و داشتن صبوری در زمان فرازها را برای استقرار یک تعادل نسبی داشته باشد. تئاتر آموزنده‌ترین گزینه برای فراگیری هر چیزی است که از سنین کودکی می‌تواند این قابلیت‌های رشد فکری، احساساتی و شهودی را فراهم کند.

جامعه سالم نیازمند افراد سالم است و افزون بر بدن سالم، باید توجهی به نیازهای درونی هم از همان کودکی شده باشد که پیامدش داشتن ذهن‌های زیبا و سالم است. فعالیت هنری از جمله حضور در تئاتر و بودن در دوره‌های تئاتری و حتی انجام هر نقش و فعالیتی در تئاتر می‌تواند رفتار کودکان را در راستین‌ترین حالت ممکن قرار دهد و بسیاری از نگرانی‌ها و دلواپسی‌های پدران و مادران و جامعه را حل و فصل کند.

آیا تئاتر ما پاسخگوی این نیازها و ضرورت‌های کودکان مان در سراسر ایران عزیز هست؟! آیا جامعه این قابلیت را به تئاتر ایران داده است؟ بنابراین با آنکه ما هنوز با پایین‌ترین امکانات در تئاتر کودک به دنبال ارتباط بهینه و کارساز برآمده‌ایم اما «ماهی را هرگاه از آب بگیریم تازه است»؛ پس نباید کم کاری کنیم و تئاتر برای کودکان را همچنان با غفلت‌های ناسازگار با آینده درخشان جامعه به فراموشی بسپاریم. تئاتر برای کودکان یک اصل و رکن فرهنگی است که می‌تواند نویدبخش بسیاری از پیروزی‌های کلان اجتماعی باشد. به امید آن روز...

#فلسطین

هشتگ

اعلام آتش بس میان رژیم صهیونیستی و حماس که به‌صورت یکطرفه از سوی رژیم اشغالگر قدس اعلام شد شادی و خوشحالی را در شبکه‌های اجتماعی همراه داشت. کاربران عکس‌ها و فیلم‌های شادی مردم فلسطین و نوار غزه را بازنشر می‌کردند و از مقاومت مردم فلسطین می‌نوشتند: «این پیروزی مبارک فلسطینی‌ها و همه حامیان صلح در جهان.»، «اسرائیل یکطرفه اعلام آتش بس کرد. فلسطینی‌ها با غرور در مسجد الاقصی و شیخ جراح و جاهای دیگر اعلام جشن پیروزی کرده‌اند»، «کابینه امنیتی اسرائیل به‌صورت یکطرفه اعلام آتش‌بس کرد. گروه‌های فلسطینی توانستند شروط را تا اینجا تحمیل کنند -اجازه ورود آزادانه و حضور فلسطینی‌ها در مسجد الاقصی -متوقف شدن اخراج فلسطینی‌ها از محله شیخ جراح. نتانیاهو زبان موشک و راکت را فهمید.»، «زنده باد مقاومت فلسطین»، «آتش بس اسرائیل با حزب‌الله لبنان، ۳۳ روز (۲۰۰۶)، آتش بس اسرائیل با فلسطین، ۲۲ روز (۲۰۰۸-۲۰۰۹)، آتش بس اسرائیل با فلسطین، ۱۱ روز (۲۰۲۱)»، «ملت فلسطین پیروزی مقاومت را جشن گرفت. خیابان‌های سراسر فلسطین اشغالی از جمله غزه، کرانه باختری و قدس اشغالی صبح امروز در پی برقراری آتش بس و پیروزی مقاومت سراسر جشن و سرور بود.»، «برای فلسطینی‌ها خوشحالم، دیشب بعد از ۷۰ سال در قسمت‌های مختلف مثل غزه، کرانه باختری و... متحدانه خوشحال بودن، آتش بس بدون پیش شرط از طرف اسرائیل که کمک می‌کنه خواسته‌های بیشتری رو به دشمن تحمیل کنن.»، «آتش بس اعلام شد و باز هم ارتش اسرائیل رنگ پیروزی رو ندید»، «پس از یازده روز نبرد سنگین بین حماس و اسرائیل آتش بس برقرار شده است. در این جنگ یازده روزه حداقل ۲۳۰ نفر مسلمانان فلسطین در غزه شهید شده اند»، «وبعد از روزها بمباران سنگین بر سر اهالی مظلوم بزرگترین اردوگاه آوارگان جهان و کشتن ۲۳۲ فلسطینی رانده شده، اسرائیل مجبور به آتش‌بس شد و این مقاومت تا نابودی اشغالگری و آپارتاید و بازگشت همه آوارگان به سرزمین‌شان ادامه دارد»، «هیچ آتش‌بسی به معنی معاهده نیست، خصوصا آتش‌بس یکطرفه و خصوصاً از سوی اسرائیل.»، «هر لحظه احتمال یک توحش مطلق را در نظر داشته باشید. مثل مردم تروا و نگهبانان احد غافل نشویم.»، «در جنگ هر کس زودتر آتش بس اعلام کند یعنی جنگ را باخته.»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

پیامدهای یک قتل

ماجرا

قتل بابک خرمدین و اعترافات پدر و مادرش همچنان مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی است. بعد از التهاب‌های اولیه و رد و بدل شدن خبرها حالا بحث بر سر تأثیرات اجتماعی این اتفاق بیشتر مطرح است و خیلی‌ها درباره نهاد خانواده و ارتباطش با این مسأله می‌نویسند: «پیشنهاد می‌دم برای جبران ضررهای روانی ماجرای قتل بابک خرمدین، بیاییم خاطرات خوب، خنده دار، یا گذشت‌هایی که پدرها و مادرهامون کردن رو تعریف کنیم.»، «شما خیلی بانمکید ولی به‌نظرم بهتره در مورد مسائلی مثل قضیه بابک خرمدین توئیت فان نزنیم!»، «اصلاً فاز کسایی رو که با ماجرای قتل بابک خرمدین شوخی می‌کنن رو درک نمی‌کنم. کاش به جای این همه شوخی‌های بی‌نمک یکم حواسمون به بچه‌ها باشه که درگیر این ماجراها نشن»، «در ماجرای بابک خرمدین هم من به سه دلیل چیزی نگفتم: -اولاً از روانشناسی چیزی نمی‌دونم و ریشه‌های این اتفاق برام مبهمه. -ثانیاً حقوقدان نیستم و بررسی ابعاد حقوقی ماجرا هم برام مقدور نیست. -به اندازه کافی بامزه نیستم که بتونم با مرگ هم شوخی کنم!»، «عجیب نیست از خواهر و برادر دیگه بابک خرمدین هیچ اطلاع و اظهار نظری وجود نداره؟!»، «بعد از خبر قتل بابک خرمدین حس می‌کنم در سیاهی به انتها رسیدیم. دلم می‌خواد شغلم و تمام شبکه‌های اجتماعی رو ترک کنم و برم تو یه کافه کار کنم. کافه‌ای که صدای موزیکش انقدر بلند باشه که هیچ صدایی به گوش نرسه و کارش انقدر زیاد و سنگین باشه که شب به رختخواب نرسیده بیهوش شم.»، «شوخی با پدر و مادرها سر قضیه بابک خرمدین، اون هم در فضای مجازی، درست زمانی که هنوز جامعه توی شوک این سنگدلی و بیماری روانی هست، جالب نیست به خدا. آدم با غم دیگران شوخی نمی‌کنه.»، «اینکه هر روز خبر یه قتل درون خانوادگی داره میاد مشکوکه. ماها تو خانواده ایرانی به دنیا اومدیم که اکثرمون بجز استثنایی مثل بابک خرمدین خانواده تا پای جون به پامون موندن. داداش دیدم برای خواهرش کلیه‌اش رو فروخته. پدر دیدم برای پسرش خونشون رو فروخته. مادری که برای تحصیل دخترش طلاهایی را که با زحمت یه عمر جمع کرده بود فروخته. دیدم یارو بدون اینکه بگه ماهانه یه پولی رو برای داداشش می‌ریخته که پول کم نیاره با اینکه خودش دستش تنگ بوده. هوای همو داشته باشید. هیچ‌کس و هیچ چیزی خانواده نمیشه.»

عکس نوشت

روزهای پایانی اردیبهشت روز جهانی موزه بود و خانه موزه چمن آرا (بتهوون) در شاخص تلاش برای بقا از سوی کمیته ملی موزه‌های ایران (ایکوم) جزو موزه‌های برتر کشور شناخته شد. فروشگاه موسیقی بتهوون در سال ۱۳۳۲ در خیابان منوچهری توسط برادران چمن آرا آغاز به کار کرد. این فروشگاه ۶۸ ساله، در سال ۹۸ به خانه موزه بتهوون تبدیل شد.